



هدیه نهایی کرسمس

در عیسی، خدا عشق خود را با تمام جهان به اشتراک گذاشت و همچنین او هر یک از ما را به صورت جداگانه دوست می دارد. خدا شما را آنقدر دوست دارد که گرانبهاترین چیزی را که داشت، پسر یگانه اش را داد تا شما بتوانید زندگی ابدی داشته باشید. (یوحنا باب ۳ آیه ۱۶)

خدا درد ما را حس می کند. او غم ما را درک می کند و با فقدان های ما دلسوز است. او مشتاق است که به ما نزدیک باشد، ما را تسکین، شفا و تسلی دهد و همچنین مشوق ما باشد. او آنقدر ما را دوست داشت که پسرش را به شکل انسان فرستاد تا در میان ما زندگی کند، نیازهای ما را تجربه کند، که دستان او باشد، خواسته قلبی او را آشکار کند و ما را در تماس مستقیم و شخصی با عشق و قدرت خود قرار دهد. خداوند عیسی را نفرستاد تا همه مشکلات ما را حل کند، بلکه ما را توانمند سازد تا بر آنها غلبه کنیم و در نتیجه بهتر بشویم. به همین دلیل است که ما در این کرسمس دلیلی برای امیدواری داریم.

عیسی می خواهد با شما وارد یک رابطه شخصی شود و به بخش بسیار واقعی از زندگی شما تبدیل شود، اینجا و اکنون و برای همیشه در ابدیت. او بر در قلب شما ایستاده است و منتظر است تا در را باز کنید و او را به زندگی خود دعوت کنید. (به مکاشفه باب ۳ آیه ۲۰ مراجعه کنید.)

شما می توانید این کار را با این دعای خالصانه انجام بدهید:

ای عیسی، لطفاً همه گناهان مرا ببخش. من ایمان دارم که تو برای من مردی. من در قلبم را باز می کنم و تو را به زندگی ام دعوت می کنم. لطفاً مرا با عشق و روح القدس خود پر کن، به من کمک کن تا تو را بشناسم و مرا در مسیر حقیقت هدایت کن. آمین.

کتاب مقدس به ما می گوید: خدا روح است و هر که بخواهد او را بپرستد باید با روح و راستی بپرستد. (یوحنا باب ۴ آیه ۲۴)

او خالق بزرگی است که من و شما، این دنیای زیبا و کل کیهان را آفریده است. برای نشان دادن عشق خود به ما و کمک برای درک و شناخت بهترش، او پسرش، عیسی مسیح را به شکل انسان به زمین فرستاد.

اگرچه از پیش مقدر شده بود که او پادشاه پادشاهان باشد، اما عیسی در کاخی متولد نشد؛ در عوض، او در کف یک طویله ی خاکی به دنیا آمد، در قنداقی پیچیده شد و در آخور حیوانات خوابید. (لوقا باب ۲ آیه ۷)

ورود او به این جهان رسماً توسط ثروتمندان و قدرتمندان زمان خود به رسمیت شناخته نشد. در عوض، چند چوپان فقیر که خبر را از گروهی از فرشتگان شنیده بودند که با آنها گفتند: امروز برای شما در شهر داوود، نجات دهنده ای که مسیح خداوند است، به دنیا آمده است. جلال بر نام خدا در آسمان ها و صلح و دوستی بر مردم و بر زمین باد! (لوقا باب ۲ آیه ۸ - ۱۴)

وقتی عیسی کار زندگی خود را در سن ۳۰ سالگی آغاز کرد، نه تنها پیام خود را موعظه می کرد، بلکه آن را در میان مردم عادی، به عنوان یکی از آنها، زندگی می کرد. او به نیازهای معنوی آنها اهمیت می داد و زمان زیادی را نیز صرف رسیدگی به نیازهای جسمی آنها می کرد، آنها را در هنگام بیماری شفا می داد و در هنگام گرسنگی به آنها غذا می داد. او به شراب خواران، فاحشه ها و مطرودان عشق می ورزید، زیرا میگفت من آمده ام تا مرهمی بر زخم بیماران باشم، او بدون قید و شرط عشق می ورزید، حتی به قیمت آبرویش. و ثابت می کرد که هیچ کس از دسترس عشق و بخشش خدا دور نیست.

(مرقس باب دو، آیه هفده)